■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamOnline.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳
■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ | ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۱۲۶ | Monday - January 10 , 2022

حدیث روز: بحارالانوار
امام‌محمدباقر(ع)
دانش بیاموزید که آموختن آن پاداش دارد و جست‌وجوی آن عبادت است.

واحه: صائب تبریزی
رحم و انصاف و مروت از جهان برخاسته است
روی دل از قبله مهر و وفا گردیده است

امروز در تاریخ:
- قتل امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین‌شاه قاجار در حمام فین‌کاشان(۱۲۳۰ش)
- بمباران دو مدرسه پسرانه در بروجرد توسط عراق که باعث کشته‌شدن ۶۸دانش‌آموز شد.(۱۳۶۵ش)
- درگذشت دکتر علی شریعتمداری، چهره ماندگار علمی کشور و عضو شورای‌عالی انقلاب‌فرهنگی(۱۳۹۵ش)
- اختراع سیمان در انگلیس(۱۸۲۴م)
- اختراع ساعت الکترونیکی در سوئیس(۱۹۶۳م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۲/۱۲ | غروب آفتاب: ۱۷/۰۹
اذان مغرب: ۱۷/۲۹ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۷
اذان صبح (فردا): ۵/۴۶ | طلوع خورشید(فردا): ۷/۱۴

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اهواز	اصفهان	بوشهر	تبریز	سنندج	قم	گرگان
۱۲ / ۶	۲۰ / ۱۲	۱۳ / -۴	۲۰ / ۱۳	۵ / -۱	۱۲ / ۴	۱۴ / ۵	۱۶ / ۹

حکمت ۶۷: نهج‌البلاغه
از بخشش اندک شرم مدار که محروم‌کردن، از آن کمتر است.

تلنگر
امیر رفته به حمام عافیت باشد

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

چیزی که زیاد بود لقب. عجیب این که مثل ریگ در پای یکدیگر می‌ریختند و مثل طلا ارزشمندش می‌شمردند. هر کسی بالاخره از جایی لقبی پیدا می‌کرد که اسم و رسمش لخت و عور نماند.

این شد که کم‌کم مردم هم این چیزها به چشم و گوش‌شان ارزشمند آمد و دیگر کسی که اسمش پیشوند و پسوند دهان پرکن داشت در نگاه مردم فرق می‌کرد با کسی که اسم و رسمش خالی از لقب است. مثلا خود شما اگر قرار باشد کتابی تاریخی بخرید، آن که نام نویسنده‌اش «علیرضا رأفتی» است را می‌خرید یا آن که «میرزا علیرضاخان رأفت السلطنه» نوشته؟ همین فرمان را بگیر تا لقب حاجی ، کربلایی ، دکتر، مهندس و...

تقی فراهانی خوش نداشت اسمش را بگذارند میرزا تقی خان فراهانی، آن‌طور که در تاریخ‌نامه‌ها نوشته‌اند یا «امیرکبیر» آن‌طور که در تاریخ مانده. برای هر کسی که می‌خواست نامه بنویسد برای احترام فقط به لفظ «جناب» در ابتدای اسم آن شخص بسنده می‌کرد و همین هم به شاخ سبیل کسانی که سه برابر اسم‌شان لقب داشتند برمی‌خورد. یکی از چیزهایی هم که باعث شده بود بزرگان و درباریان دل خوشی از امیر نداشته باشند همین بود که داشت رسم لقب داشتن را ور می‌انداخت.

از دل خوش نداشتن دربار که بگذریم برای مردم بی‌لقب هم بهانه‌ای پیدا می‌شد که دل خوشی از امیرکبیر نداشته باشند. از براندازی رسم لوطی‌گری و قمه‌کشی که جوانان و اراذل را از امیر شاکی کرده بود، گرفته تا اجباری که امیر برای آبله‌کوبی داشت. واکسن آبله از خارج رسیده و امیر دستور داده بود هر کسی در برابر آبله‌کوبی (واکسیناسیون آبله) مقاومت کند یا کودکش بر اثر نزدن واکسن آبله بمیرد باید پنج تومان جریمه بدهد. پنج تومانی که به پول حالا می‌شود چیزی حدود ۲۰میلیون تومان.

خلاصه تقی فراهانی در مسیر اصلاحاتش کم بهانه نداده بود دست این و آن که از او دل خوشی نداشته باشند وبا جاری شدن خونش در حمام فین،کک‌شان نگزد. ۲۰دی۱۲۳۰خورشیدی، امیرکبیر به حمام رفت که خیلی چیزها برای ما بماند و به قول امیر تیموری (شاعر): نترس خون بزرگان هدر نخواهد رفت / امیر رفته به حمام، عافیت باشد

کافه میرداماد

با استفاده از نمادهای فرهنگی و رنگ‌های طبیعت می‌توان مدهای ملی و زیبا تولید کرد

گفت‌وگو با مینو کریم‌نیا، پژوهشگر درباره مد و مدگرایی

شبیه خودت باش!

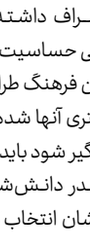

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

عید نوروز از اول فروردین شروع می‌شود و بیشتر از دو ماه مانده که به نوروز برسیم اما برای کاسبان در هر رشته و حرفه‌ای، نوروز از یکی دو هفته قبل شروع شده. آنها به روش‌های مختلف مردم را تشویق به تغییر و خرید می‌کنند. از تغییر چیدمان و مبلمان خانه گرفته تا نوع آرایش و رنگ مو و «... تغییر» البته تبلیغی است برای داغ شدن بازار و این‌که لوازم یا آرایش و لباس سال آینده‌ات را عوض کن که کهنه نباشد و طبق «مد» روز باشد اما همه ما می‌دانیم که این تغییر براساس مد روز اتفاقا بیشتر مردمان را شکل هم می‌کند و نمی‌توان نام تغییر بر آن گذاشت، چرا که تغییر باید به سمتی برود که «تو» را از دیگران متفاوت کند نه این‌که شبیه دیگران شوی و این شباهت آنقدر زیاد شود که انگار «سری‌دوزی» شده است. مبل‌های معمولا یک‌شکل می‌شود همان‌گونه که امروزه ابروها یک مدل شده و هر چه به عید نزدیک‌تر می‌شویم حتی موها هم یک‌رنگ می‌شود. این درحالی است که هر آدمی بهتر است مثل خودش باشد و با دیگری متفاوت. اما برای جریان مد بهتر و به‌صرفه‌تر است که همه شکل هم باشند.

انتخاب آگاهانه

مینو کریم‌نیا، بیشتر از ۲۰ سال در دانشگاه مد و لباس تدریس کرده و پژوهشگر فرهنگ و هنر بوده و ۱۵ سال عضو کارگروه مد و لباس است. او درباره مد می‌گوید: مد جریان و حرکتی است که در گوشه‌ای از دنیا که طراحان و ایده‌پردازان در آنجا حضور دارند شروع می‌شود و به مرور به کل دنیا می‌رسد و بعد از مدتی می‌بینی رنگی که مثلا در پاریس مد شده به آسیا و آفریقا رسیده و این را می‌توان به لباس و کیف و آرایش صورت و لوازم تزئینی هم تعمیم داد. جریان مد راه می‌افتد و سر راهش همه را با خود می‌برد الا کسانی را که آگاهانه انتخاب می‌کنند که چه بپوشند و لوازم شخصی و منزل‌شان چه باشد و چگونه آرایش کنند و حتی از چه زیورآلاتی استفاده کنند. این انتخاب ویژه و شخصی نقطه مقابل «مد» قرار دارد و به آن «استایل» می‌گویند. یعنی فرد با شناختی که از خود، فرهنگ، جغرافیا و حرمت‌ها و قوانین جامعه دارد، برای خود و خانه‌اش انتخاب‌هایی می‌کند که منحصر به فرد است؛ هم زیباست و هم او را شبیه دیگران نمی‌کند. این فرد حد و مرزی مشخص دارد و همین او را از دیگران متفاوت می‌کند. تاکید می‌کنم تفاوت و استفاده از استایل به‌جای مد زمانی شکل می‌گیرد که افراد آگاه باشند و آگاهانه انتخاب کنند. برای این افراد مهم نیست که مثلا رنگ سال چیست، برای آنها «رنگ مناسب» مهم‌تر است.

الهام گرفتن از طبیعت

آگاهی درباره مد و درست انتخاب کردن چیزی نیست که بتوان آن را دیکته کرد یا مردم را مجبور به استفاده از پوشش یا لوازم خاصی کرد. به نظرم آگاهی نسبت به همه مواردی که شخص در زندگی فردی و اجتماعی از آنها استفاده می‌کند باید از مدارس شروع شود، از زمانی که فرد کودک است و آموزش در او کارساز است. باید انتخاب چه بپوشم، چگونه آرایش کنم، لوازم منزلم چگونه باشد و... از کودکی آموزش داده شود؛ آن هم بنا به جغرافیا و فرهنگ زیستی افراد این‌که در چه منطقه‌ای زندگی می‌کنیم و آن منطقه چه تاریخ و پیشینه‌ای دارد و در تمدن و فرهنگ آن سرزمین چه المان‌ها و نشانه‌هایی وجود دارد.

اگر آموزش درست و زیرساخت‌های حفظ فرهنگ ملی مهیا باشد، مردم هر استانی لباس‌های خاص خود را می‌پوشند، همان‌گونه که در قدیم و قبل از رواج شهرنشینی و ماشین بود. قدیم‌ترها مردم از محیط‌زیست خود برای پوشش الهام می‌گرفتند این که منطقه سردسیر است یا گرمسیر، کوهستانی است یا در دشت واقع شده است. حتی رنگ پوشش و لوازم خانه و... هم از طبیعت الهام گرفته می‌شد همان‌گونه که نمادها و دوخت‌های روی لباس‌ها برگرفته از طبیعت بود. اما با رواج زندگی شهرنشینی به مرور ما همه اینها را از دست دادیم، در حالی که می‌توانستیم از دست ندهیم. زن قشقایی که روی اسب باید در کوه و دشت حرکت کند، دامن‌های چند لایه می‌پوشد که از او مراقبت کند اما این زن زمانی که به شهر می‌آید دیگر نمی‌تواند از آن لباس‌ها استفاده کند اما می‌توان نمادهای لباس زن قشقایی را در لباس‌های امروزی استفاده و فرهنگ ایرانی را حفظ کرد. ما ایرانی‌ها تجربه چنین کاری را داریم. وقتی اسلام به ایران وارد شد، هنرمند ایرانی، هنرش را با اسلام تطبیق داد و زیباترین کاشیکاری‌ها و خطوط را به وجود آورد که اوج این هنر را می‌توان در کاشیکاری‌های اصفهان دید. به نظرم اگر به مردم آموزش بدهیم که آگاهانه انتخاب کنند، دیگر جریان مد هر چقدر هم قوی باشد، نمی‌تواند همه جامعه را در بربگیرد و همه را شبیه هم کند، چون اشتیاق به استفاده از آنچه در فرهنگ خودمان وجود دارد، زیاد است و مدی که از آن طرف شروع شده، نمی‌تواند همه مردم را با خود ببرد. الان درهای جهان باز شده و به مدد شبکه‌های اجتماعی مرزها کمرنگ شده‌اند و فرهنگ‌ها در هم ادغام می‌شوند. در چنین شرایطی فرهنگی به حیات خود ادامه می‌دهد که مردم آنقدر درباره آن بدانند و دوستش داشته باشند که خودجوش و با انتخاب شخصی آن را حفظ کنند.

سالیان زیادی است که درباره مد در کشور ما کار می‌شود و تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است. برخی تولیدکنندگان آنقدر به موضوعات اشراف داشته و نسبت به فرهنگ ایرانی - اسلامی حساسیت دارند که تولیدات خود را بر اساس این فرهنگ طراحی می‌کنند و گروهی از مردم هم مشتری آنها شده‌اند. اما اگر می‌خواهیم این حرکت فراگیر شود باید به مردم آگاهی بدهیم. باید مردم آنقدر دانش‌شان در این زمینه زیاد شود که خودشان انتخاب کنند که منحصر به‌فرد باشند و روی موج مد حرکت نکنند. این آگاهی را، هم رسانه‌ها می‌توانند به مردم بدهند و هم تولیدکنندگان. وقتی تولیدکننده، هوشیار و به فرهنگ، جغرافیا و طبیعت منطقه خود علاقه‌مند باشد، تولیداتی را به بازار عرضه می‌کند که همه این نشانه‌ها را داشته باشد. وقتی مردم در معرض این تولیدات قرار گیرند حتما در انتخاب‌هایشان تجدیدنظر و چیزی را انتخاب می‌کنند که به استایل شخصی و خانوادگی‌شان همخوان باشد نه این که شبیه همه مردم ایران یا جهان باشد.

استقبال از نمادهای بومی

اقبال مردم به کارهایی که نام سنتی و بومی به آنها می‌دهیم خوب بوده و روز به روز هم بیشتر می‌شود اما واقعیت این است دست‌دوزها و صنایع سنتی و بومی قیمت بالاتری دارند به این دلیل که برای تهیه آنها زحمت زیادی کشیده می‌شود. اما مسوولان باید استقبال مردم را به فال نیک بگیرند و تولیداتی که نشانه‌های بومی و سنتی دارند را بیشتر و آسان‌تر کنند.کاری که مثلا در سیستان و بلوچستان انجام شده و برخی سوزن‌دوزی‌های این منطقه به وسیله چرخ هم تولید می‌شود که زیاد گران نباشد. روی صنعت پارچه‌بافی هم باید بیشتر کار شود، ما در این زمینه ضعف‌های جدی داریم که اگر برطرف شود می‌تواند سلیقه و انتخاب مردم را ارتقا و تغییر دهد.

مقطع حساس کنونی
هندی خیلی هندی

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در نیمه‌شبی پاییزی در یکی از شهرهای هندوستان، زن و شوهر جوانی که عاشقانه یکدیگر را دوست داشتند سوار بر موتورسیکلت در خیابان‌های شهر می‌راندند. مرد مستندسازی جوان بود و زن مترجم کتاب‌های حقوقی. آنها چند ماه بود با یکدیگر ازدواج کرده بودند و از آنجا که به‌دلیل شیوع بیماری کرونا امکان مهمانی گرفتن و مهمانی رفتن نداشتند، شب‌ها به قصد تفریح با هم به موتورسواری در خیابان‌های شهر می‌پرداختند. ناگهان زن احساس کرد همسرش با سرعتی بیشتر از همیشه به راندن موتور می‌پردازد. پس به او گفت: اگر می‌شود کمی یواش‌تر برو. مرد گفت: تند که بیشتر کیف می‌دهد. زن گفت: من می‌ترسم، اگر ممکن است یواش‌تر برو. مرد گفت: اول بگو چندتا دوستم داری؟ زن گفت: خیلی دوستت دارم. حالا می‌شود یواش‌تر بروی؟ مرد گفت: مرا محکم بگیر. زن مرد را محکم‌تر گرفت و گفت: حالا یواش‌تر برو. مرد گفت: به شرط این‌که کلاه کاسکت مرا برداری و روی سر خودت بگذاری. احساس می‌کنم با کلاه کاسکت نمی‌توانم درست برانم. زن کلاه کاسکت را از روی سر مرد برداشت و روی سر خود گذاشت.

فردای آن‌روز کانال‌های خبری خبر درگذشت یک مستندساز را بر اثر تصادف با موتورسیکلت منتشر کردند. در این خبر آمده بود مستندساز جوانی که به همراه همسرش سرنشین یک موتورسیکلت بودند در اثر برخورد موتورسیکلت با یک ساختمان درگذشت اما همسر وی که از کلاه ایمنی استفاده کرده بود زنده ماند و اکنون در بیمارستان بستری است. همچنین علت تصادف، بریدن ترمز موتورسیکلت عنوان شده بود.

آری. مرد جوان که از خالی شدن ترمز موتورسیکلت آگاهی پیدا کرده بود بدون آن‌که موضوع را با همسرش در میان بگذارد و او را دچار اضطراب کند، با ترفندی عاشقانه کاری کرده بود که وی کلاه ایمنی را بر سر بگذارد تا اگر در اثر تصادف آسیبی متوجه آنها شد، زنده بماند. وی همچنین کاری کرده بود که آخرین دوستت دارم را نیز از زبان او بشنود و با ضمیری امیدوار دارفانی را ترک کند. آری. او رفت تا همسرش زنده بماند. کارخانه سازنده موتورسیکلت نیز پس از آن‌که نتوانست نقص سیستم ترمز موتورسیکلت‌های خود را برطرف کند، در اقدامی نمادین تندیسی از مستندساز جوان و همسرش در حالی‌که هردو کلاه ایمنی بر سر داشتند ساخت و در میدان کوچکی در حوالی محل تصادف نصب کرد. این مجسمه اکنون زیارتگاه عاشقان و موتورسواران جوان است و در لوحی زیر آن نوشته شده است: دمی می‌آید و بازدمی می‌رود اما زندگی غیر از این دم و بازدم است. ارزش زندگی در لحظاتی تجلی می‌یابد که عشق به جریان می‌افتد.

طرح: خبر آنلاین

مرور با عبور جام جم ۲۰ سال قبل

خانه‌سازی چینی‌ها در آذربایجان‌شرقی

به گزارش خبرنگار جام‌جم در تبریز، در دیدار هیات اقتصادی چین با استاندار آذربایجان‌شرقی، تفاهم‌نامه همکاری برای ساخت ۲۰هزار خانه به امضا رسید. در این تفاهم‌نامه که سقف اعتبار آن ۳۰۰میلیون دلار معادل دو میلیارد و ۴۰۰میلیون ریال اعلام شده طرف چینی متعهد شده است احداث ۲۰هزار واحد مسکونی را همراه فضاهای جانبی مورد نیاز از اوایل سال آینده شروع کند و به مدت دو سال به اتمام برساند. (صفحه ۴)

هشدار رهبر معظم انقلاب درباره فساد مالی

رهبر معظم انقلاب دیروز در دیدار هزاران تن از مردم قم با ایشان مبارزه با فساد را جهادی همه‌جانبه عنوان کرده و تاکید کردند: کسانی که با زرنگی، قانون‌دانی، زبان چرب‌ونرم و استفاده از آدم‌های ضعیف یا غافل بیت‌المال را به جیب خود می‌ریزند جلوی پیشرفت کشور و حل مشکلات مردم را سد می‌کنند. در این دیدار که به‌مناسبت ۱۹ دی سالروز قیام پرشکوه مردم قم در سال ۵۶ برگزار شد آیت‌ا... خامنه‌ای تقوای مسؤولان را زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات صحیح و موثر ارزیابی کردند و افزودند: شجاعت مسؤولان مکمل تقوای آنهاست چراکه اگر مسؤولان و مدیران کشور صرفا آدم‌های خوبی باشند اما شجاعت نداشته باشند مرعوب دشمن می‌شوند. (صفحه ۲)

تسلیم‌شدگان طالبان آزاد شدند

تعدادی از مقامات ارشد طالبان که تحت تعقیب آمریکا هستند پس از آن‌که خود را به دولت موقت افغانستان تسلیم کردند، آزاد شدند. روزنامه هندوستان‌تایم با ذکر این خبر نوشت: دولت جدید تحت حمایت آمریکا در افغانستان اعلام کرد آزادی این افراد بر اساس یک توافق‌نامه صورت گرفته که براساس آن اگر اعضای حکومت سابق خود را داوطلبانه تسلیم کنند آزاد خواهند شد. درهمین‌حال ریچارد مایرز، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا اعلام کرد این مقامات طالبان درست همان‌هایی هستند که واشنگتن به‌دنبال دستیابی به آنها بود و ما انتظار داریم این افراد به‌طور کامل به واشنگتن تحویل داده شوند. (صفحه ۱۴)

جام جم

فساد مالی، کشور را از فعالیت‌های اقتصادی باز می‌دارد

تاسیس مدارس غیرانتفاعی محدود می‌شود

تلویزیون، برادر خوبی برای سینماست

خاکسپاری شهید گمنام در دانشگاه امام صادق(ع)

رنگرز» برترین کشتی‌گیر فرنگی جهان در سال ۲۰۰۱

اکران «کودک و سرباز» در فرانسه

فیلم «کودک و سرباز» اولین ساخته بلند سینمایی رضا میرکریمی در سینماهای فرانسه روی پرده می‌رود. این فیلم در سال ۲۰۰۰ توانست جایزه بالن نقره‌ای جشنواره بین‌المللی سه قاره نانت را از آن خود کند. کودک و سرباز با حضور در ۲۴ جشنواره بین‌المللی توانسته جای خود را در میان آثار برتر سینمایی باز کند. کودک و سرباز یک فیلم جاده‌ای است و داستان آن درباره رابطه یک سرباز با یک کودک بزهکار است. (صفحه ۳)